

ادراک فراحسی در آیات و روایات

اندیشمندان مختلف دیدگاه‌های خویش را در خصوص پیش زمینه یا چگونگی اکتساب و به کار بستن ادراکات فراحسی مطرح نموده‌اند که بسیاری از آنها شبیه به یکدیگر به نظر می‌رسد. در ذیل، به بیان برخی از این دیدگاه‌ها پرداخته می‌شود.



اندیشمندان مختلف دیدگاه‌های خویش را در خصوص پیش زمینه یا چگونگی اکتساب و به کار بستن ادراکات فراحسی مطرح نموده‌اند که بسیاری از آنها شبیه به یکدیگر به نظر می‌رسد. در ذیل، به بیان برخی از این دیدگاه‌ها پرداخته می‌شود.

1. دیدگاه علامه طباطبائی: علامه طباطبائی معتقد است که برخی از امور خارق العاده مستند به امور فراحسی، به وسیله قوت اراده صاحب آنها حاصل می‌شود. اراده تابع علم است و هنگامی که علم جازم و ایمان به تأثیر وجود داشته باشد، اثر آن ظاهر می‌شود. برخی دیگر از افراد نیز ادراک فراحسی را از راه ریاضت به دست می‌آورند (طباطبائی، 1393ق، ص 242-245).

2. دیدگاه شهید مطهری: انسان با طرزی از عمل، با عادت دادن خود، با ورزش دادن و ریاضت دادن خود، با عمل کردن می‌تواند ادراکات فراحسی را کسب نماید (مطهری، 1380ب، ج 4، ص 522).

3. دیدگاه عثمان نجاتی: این نوع ادراک فوق حسی را همه مردم ندارند و تنها برای بعضی افراد که از استعداد ویژه‌ای برخوردار هستند، امکان پذیر است. این استعداد، عبارت از نوعی شفافیت و صفای روحی است و به نیروی ادراک خارق العاده‌ای بستگی دارد که انسان می‌تواند از مرزهای مکان فراتر رود و اشیا و حوادث دور از خود و یا حوادثی را که به علت وجود موانع، از او پوشیده است، درک کند (نجاتی، 1374، ص 188).

4. دیدگاه هانری کربن: در نگاه هانری کربن، فیلسوف، شرق شناس و متخصص در تاریخ ادیان، راه یافتن به دنیای ادراکات فراحسی، بدون پاکیزگی قلبی، تصفیه روحی و تأملات طولانی امکان پذیر نیست (جلالی فراهانی، 1388، ص 26).

ادراک فراحسی در آیات و روایات

داستان حضرت یعقوب علیه السلام

قرآن برای اشاره به ادراک فراحسی، ماجرای حضرت یعقوب علیه السلام را به عنوان مثال ذکر کرده است. آن حضرت، بوی فرزندش یوسف را هنگامی که کاروان حامل پیراهن یوسف از سرزمین مصر به راه افتاده بود و چند روز راه از محل اقامتش فاصله داشت، استشمام نمود: *وَلَمَّا فَصَلَ الْعِیْرُ قَالَ أَتُوبُهُمْ إِنْی لَأَجِدُ رِیحَ یُوسُفَ لَوْ لَا أَن تَقْتَدُونَ (یوسف: 94)*؛ و چون کاروان از مصر بیرون آمد، یعقوب گفت: اگر مرا تخطئه نکنید، من بوی یوسف را می‌شنوم. با توجه به اینکه قرآن از این نظر [اعجاز یعقوب] سکوت دارد، و آن را به عنوان اعجاز یا غیر اعجاز قلمداد نمی‌کند، می‌توان توجیه علمی نیز بر آن یافت؛ چراکه امروز مسئله تله پاتی انتقال فکر از نقاط دور دست یک مسئله مسلم علمی است، که در میان افرادی که پیوند نزدیک با یکدیگر دارند و یا از قدرت روحی فوق العاده‌ای برخوردارند برقرار می‌شود (مکارم شیرازی و همکاران، 1367، ج 10، ص 72؛ قرائتی، 1383، ج 10، ص 154). بنابراین، استشمام بوی یوسف علیه السلام توسط یعقوب علیه السلام، از چنین مسافت دوری به طور آشکار به پدیده ادراک حسی خارج از چارچوب حواس، اشاره دارد (نجاتی، 1374، ص 88).

داستان تخت ملکه سبا

قرآن کریم داستان آن مردی که تخت ملکه سبا را در طرفه العینی از یمن به فلسطین آورد، این گونه نقل می‌کند: *قَالَ الَّذِی عِندَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِیکَ بِهِ قَبْلَ أَنْ یَرْتَدَّ إِلَیکَ طَرْفَکَ (نمل: 40)*؛ کسی که در نزد او دانشی از کتاب (از لوح محفوظ یا از کتاب های آسمانی) بود گفت: من آن را پیش از آنکه پلک چشمت به هم بخورد، یا چشم بر هم زنی به نزد تو می‌آورم. قرآن این قضیه را تعلیل به یک نوع علم می‌کند که مسلم آن علم از این نوع علم نیست که [شخص] قانونی را بداند و بعد بخواهد روی آن عمل کند، ولی به هر حال [ناشی از] یک نوع علم و ایمان می‌داند. این آیه دلیل بر این است که این نیروی خارق العاده در انسان وجود پیدا می‌کند؛ به موجب علمی که انسان پیدا می‌کند، نه آن طوری که بعضی اشخاص می‌گویند که انسان هیچ کاره است (مطهری، 1380ب، ج 4، ص 496).

امام صادق علیه السلام داستانی از حارثه بن نعمان انصاری در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می فرمایند که ادراک فراحسی را به خوبی بیان کرده است: رسول خدا صلی الله علیه و آله در مسجد نماز را با مردم به جای آورد و نظرش افتاد به جوانی که نشسته بود، و خواب وی را فراگرفته، رنگش زرد و جسمش لاغر و چشمانش در سرش فرو رفته بود. پیامبر به او گفت: حالت چطور است؟ پاسخ داد: دارای حالت یقینم. حضرت از جوابش به شگفت آمد و گفت: هر یقینی حقیقتی دارد؛ حقیقت یقین تو چیست؟ جوان گفت: یقینم مرا به حزن و اندوه افکنده، خواب شب را از چشمم ربوده، و روزهای گرم را در حال روزه و عبادت بر من آورده است، به طوری که نفس من از دنیا و آنچه در دنیا است، بیرون رفته است و گویا نگاهم به عرش پروردگارم افتاده است که برای حساب خلایق برپا شده و خلایق برای حساب محشور گردیده اند، و من هم در میان آنها هستم و گویا می بینم اهل بهشت را که در آن متنعم می باشند، و با یکدیگر به رفت و آمد و سخن مشغولند، و گویا می بینم اهل آتش را که در میان آن معذب می باشند، و فریاد می زنند و گویا می شنوم صدای شعله و آتش را که در گوش های من دوران دارد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: این بنده ای است که خدا دل او را به نور ایمان روشن گردانیده است و سپس به آن جوان گفت: بر این حالی که داری پایدار باش (کلینی، 1407ق، ج 2، ص 53؛ مجلسی، 1404ق، ج 7، ص 333). در این داستان شاهد آن هستیم که پیامبر صلی الله علیه و آله ادراکات فراحسی زید را تأیید نمودند.

داستان های ناظر به ادراکات فراحسی نظیر تله پاتی در کتاب های مذهبی خیلی زیاد است؛ مثل اینکه پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در وقتی که نجاشی در حبشه بود، جریان فوت او را اطلاع داد و گفت که الآن نجاشی مرده است و او را کفن کرده اند و من از همین جا بر او نماز می خوانم، به طوری که همه جنازه نجاشی را دیدند و حضرت در آن حال بر آن نماز خواندند (مطهری، 1380ب، ج 4، ص 491).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: رکوع و سجود را به طور کامل انجام دهید، سوگند به خدا، هنگامی که به رکوع و سجود می روید من شما را از پشت سرم می بینم (نجاتی، 1374، ص 189، به نقل از: قشیری نیشابوری، بی تا).

حوزه های ادراک فراحسی

1. تله پاتی

یکی از ادراکات فراحسی که مورد سخن ماست، تله پاتی است. تله پاتی (وکیلی، 1385، ص 71) یا ارتباط فکری (رضایی، 1389، ص 128)، یا اندیشه خوانی (علی زاده، 1387 و 1388، ص 71؛ ناجی، 1379، ص 14)، یا دور آگاهی (خرمشاهی، 1364، ص 22) و یا حس ششم، از دو لفظ یونانی Tele به معنای دور و pathos به معنای احساس تشکیل شده است (ناجی، 1379، ص 14). تعاریف فراوانی از این پدیده ادراکی شده است که برخی از آنها اشاره می شود:

– ارتباط مستقیم ذهن به ذهن است یا به تعبیر دیگر، تعامل ذهنی مستقیم با سیستم های زنده (مملکت دوست، 1383، ص 33).

– توانایی های شگفت آور انسان، در زمینه ارتباط برقرار کردن از راه دور و غلبه قدرت فکری بر افراد (نوری زاد، 1383، ص 64-65).

در اینجا بجاست این نکته ذکر شود که گاه با توسعه در معنا و گستره الهام، پدیده تله پاتی را نیز در دایره الهام جای دادند (اسدی، 1385، ص 34-35). الهام، احساسی از جنس آگاهی است که آدمی منشأ آن را نمی داند. این الهام گاه از عالم بالا و از طرف خداوند است [و منحصر به بندگان صالح است] و گاه از طرف انسان دیگری که در مسافتی دور از او قرار دارد [که روان شناسان آن را تله پاتی نامیده اند] (عظیم زاده و همکاران، 1380، ص 155).

2. پیش گوئی

پیش گوئی (علی زاده، 1387 و 1388، ص 71؛ مملکت دوست، 1383، ص 33؛ وکیلی، 1385، ص 71) یا غیب گوئی رویدادهای آینده و درست درآمدن آنها (خرمشاهی، 1364، ص 23) از اموری است که بعضی از انسان ها می توانند از حوادث آینده خبر دهند. از این ادراک به پیش بینی، پیش شناخت یا پیش آگاهی نیز تعبیر شده است (ناجی، 1379، ص 20).

آیزنگ می گوید: از این نتیجه نمی توان چشم پوشید که بعضی از مردم دارای نیروی ذهنی ای هستند که می توانند

رویدادهایی را که در آینده بسیار نزدیک رخ می دهد، پیش بینی کنند (قدردان قراملکی، 1375، ص 129). البته باید توجه نمود که گاهی شما می بینید پیش بینی هایی که افراد خیلی زبردست در مسائل عادی می کنند خطا درمی آید. بعد می بینید این اشتباه نکرده، جریانی که او می دیده درست دیده، ولی یک جریان دیگری هم بوده که جلوی این جریان را گرفته است. او، هم درست دیده هم نادرست؛ درست دیده که آن جریان را دیده، درست ندیده که یک جریان مخالف را نمی دیده است (مطهری، 1380 ب، ج 4، ص 508).

3. روشن بینی

این کلمه به معنای به وضوح دیدن می باشد. روشن بینی (وکیلی، 1385، ص 71) عبارت است از توانایی یک شخص در دیدن اتفاقات زمان حال یا آینده یا حوادثی که بعدها روی می دهد (رایج، 1383، ص 50). این پدیده، اطلاعاتی را درباره وقایعی که در فاصله دور به وقوع می پیوندد (ناجی، 1379، ص 20) و فراتر از حواس عادی درک می شود در اختیار ما قرار می دهد (مملکت دوست، 1383، ص 33). از این پدیده به رازبینی (خرمشاهی، 1364، ص 22)، دیدن از ورای مانع (مملکت دوست، 1383، ص 33)، دیدن از راه دور (رایج، 1383، ص 50) و غیب بینی هم تعبیر شده است (علی زاده، 1387 و 1388، ص 71).

همیشه افرادی هستند که مسائلی را از غیب تلقی می کنند؛ یک نوع روشنایی در روحشان پیدا می شود، چیزهایی را می شنوند که قبلاً نمی شنیدند، چیزی را می بینند که قبلاً نمی دیدند (مطهری، 1380 ب، ج 4، ص 519-520). آگاهی نسبت به وقایع آینده ممکن است از طریق خواب نیز صورت پذیرد (حجازی، 1387، ص 27). البته مقصود از آن، خواب های راستین می باشد که با آینده - نه با گذشته - سروکار دارند و به هیچ وجه نمی توانند علت مادی داشته باشند (مقیسه، 1382، ص 139).

فرق بین روشن بینی با تله پاتی در این است که تله پات اطلاعات خود را از فکر شخص دیگر کسب می کند، درحالی که روشن بین این آگاهی را بدون ارتباط با فکر دیگری به دست می آورد (ناجی، 1379، ص 14).

4. دورشنوایی (Clairaudience)

یکی دیگر از ادراکات فراحسی، دورشنوایی یا رازشنوی می باشد (رضایی، 1389، ص 128). دورشنوایی عبارت

است از شنیدن صدا، یا سخنی از مکانی دور که خارج از محدوده حس شنوایی است (نجاتی، 1374، ص 187). البته این ادراک متفاوت از وحی است که مختص انبیاست. آنچه در اینجا منظور است، نظیر نداهای غیبی می باشد، که برای نمونه، نقل می کنند حربن یزید ریاحی شنید و تحول روحی یافت و از صف اشقیا جدا شد و به یاران حضرت سیدالشهدا علیه السلام پیوست (خرمشاهی، 1364، ص 22).

5. آشناپنداری

هرگاه شخصی از یک واقعه، محل یا وضعیتی، در ذهنش تصویری داشته باشد، به این حالت آشناپنداری گفته می شود (رایج، 1383، ص 50). آشناپنداری میان مردم بسیار رایج است و حتی می توان گفت کسی وجود ندارد که دست کم یک بار این تجربه را نداشته باشد. برای مثال، شخصی با ورود به محلی که قبلاً هرگز به آنجا پا نگذاشته است، متوجه می شود که آنجا را می شناسد یا اینکه در بدو آشنایی با برخی افراد، حس می کنیم که یک دوست قدیمی را که سال هاپیش ازدست داده ایم دوباره یافته ایم (همان، ص 51).

6. ذوق و خلاقیت

عرفا و برخی فلاسفه از جمله افلاطون، در برخی تعبیرات خود از ذوق و خلاقیت به عنوان یک ادراک فراحسی تعبیر می کنند که با کمی اغماض می توان آن را جزو ادراکات فراحسی در فراروان شناسی نیز در نظر گرفت. ذوق و خلاقیت به عنوان ادراکی ماورای حسی از قدیمی ترین مفاهیمی است که پیوسته مورد تأمل اهل نظر بوده است (باوندیان، 1383، ص 36)؛ ادراکی که لازمه آن تخریب حواس ظاهری از راه تحمل ریاضت و تزکیه نفس است (پارساپور، 1386، ص 154). پس از عارض شدن ذوق و خلاقیت بر فرد، نه تنها دریافت حقایق فراحسی و معانی پنهان بر او، به طور مستقیم میسر می گردد، بلکه افزون بر این، می تواند آنها را با چشم دل مشاهده کند (عقدایی، 1389، ص 112). سوروکین (Sorokin) نیز معتقد است که بزرگ ترین دست

7. همدلی از راه دور

هرگاه شخص، درد و رنج فیزیکی یا روحی و وضعیت هیجانی شخص دیگری را احساس کند، این پدیده همدلی از راه دور نامیده می شود. درک احساسات دیگران، از شایع ترین پدیده های ادراک فراحسی است. دوقلوها معمولاً چنان ارتباط نزدیکی باهم دارند که در صورت بروز حادثه ای برای یکی از آن دو، دیگری احساسات نفر دوم را حس می کند. این وضعیت می تواند بین یک مادر و فرزندش و یا میان عشاق پیش بیاید (رایج، 1383، ص 50).

در بعضی از روایات نیز اشاره جالبی به این مسئله شده است: جابر جعفی از امام باقر علیه السلام سؤال کرد: گاهی بی آنکه مصیبتی به من رسیده باشد یا حادثه ناگواری اتفاق بیفتد، قلم را غم فرا می گیرد، به نوعی که اطرافیان می فهمند. امام علیه السلام فرمودند: مسلمانان در آفرینش از یک حقیقت و طینت هستند، ازاین رو، مؤمنان برادر یکدیگرند؛ همین که حادثه تلخی برای یکی از آنان اتفاق بیافتد، دیگری در سرزمین و منطقه ای دیگر غمناک می شود (کلینی، 1379، ص 488).

همچنین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیثی می فرمایند: دو نفر مؤمن که به خاطر خدا با هم دوست می شوند، همچون یک پیکر می گردند، به طوری که اگر یکی از آنان در موضعی از بدن خود ناراحتی داشت، دیگری در همان موضوع احساس درد می کند (کراجکی، 1410ق، ص 352؛ مجلسی، 1403ق، ص 281؛ نوری، 1408ق، ص 217).

صاحب تفسیر نمونه در این زمینه می نویسد: امروزه ثابت شده که ممکن است از طریق رابطه فکری، ناراحتی های یک شخص به دوستش منتقل گردد و سپس آن ناراحتی خاص روی جسم او اثر بگذارد و همان عضو مشابه را ناراحت سازد (مکارم شیرازی، 1378، ص 147-148). با توجه نزدیک بودن مرزهای ادراک فراحسی که در گذشته بدان اشاره شد، این نکته قابل ذکر است که این پدیده را می توان بخشی از ادراک فراحسی تله پاتی نیز برشمرد.

8. کشف و شهود

نوع دیگری از ادراک فراحسی وجود دارد که در اصطلاح عرفا کشف و شهود نامیده می شود (قدردان قراملکی، 1381، ص 53)، و در ادبیات فلسفی از آن به نوعی تجربه دینی تعبیر می شود (همان؛ اسدپور، 1386، ص 62؛ شجاع، 1387، ص 128 و 136؛ صادقی، 1379، ص 232). کشف و شهود عبارت است از دیدن اشیا یا حوادثی که خارج از محدوده حس بینایی قرار دارند (نجاتی، 1374، ص 187) و از لحاظ ماهیت با دیدنی که توسط چشم یا هر وسیله دیگری که تصویری در ذهن ایجاد می کند، متفاوت می باشد (رفیعی، 1389، ص 81). همچنین ممکن است در برخی موارد در خواب، بیداری و یا در حالتی میان خواب و بیداری رخ دهد (رفیعی، 1389، ص 81).

امام خمینی قدس سره کشف و شهود را این گونه تبیین نموده اند: آن گاه که روح انسان از سرگرمی ها و اشتغالات برکنار می ماند، می تواند از حقایق جهان آگاهی یابد. انسان می تواند دیدنی ها را ببیند و حتی از گذشته و آینده باخبر شود. عامل اصلی مشاهدات نفسانی و آگاهی از حقایق هستی، انقطاع و انسلاخ انسان از پرداختن و توجه به طبیعت و زندگی طبیعی است. انقطاع نیز گاهی در پرتو وقوع امور هولناک در زندگی، گاهی از طریق تصرفات و اشاره ولی الله و انسان کامل، و نیز گاهی از راه کمالات نفسانی برای آدمی حاصل می شود که در پرتو آن، گاهی انسان به مشاهده بخشی از حقایق هستی نایل می گردد (موسوی خمینی، 1410ق، ص 36).

وجه تمایز این ادراک فراحسی با سایر ادراکات نیز در این است که در مکاشفه و شهود نوعی گشودگی و کشف نسبت به حقیقت و واقعیت غایی هست، که شرط لازم سایر ادراکات فراحسی نیست (ملکیان، 1383، ص 61؛ صادقی، 1379، ص 232)؛ همان گونه که جان هیک با تأثر از دیدگاه شلایر ماخر و ویلیام آلستون تجربه های دینی نظیر کشف و شهود را به معنای انتقال آگاهی می داند که در اثر مواجهه روح انسانی با حقیقت مطلق حاصل گردیده است (اسدپور، 1386، ص 62).

چشم بصیرت نیز از جمله ادراکات فراحسی به شمار می رود که چون در آن نوعی کشف و شهود وجود دارد، آن را در ذیل این ادراک ذکر می نماییم. بسیاری از عالمان، دانشمندان و حتی افراد عادی نیز بوده اند که از این ادراک فراحسی با شیوه های گوناگون آن بهره برده اند، که در این مختصر از ذکر آن خودداری می شود.

9. چشم زدن

یکی دیگر از ادراکات فراحسی چشم زدن، چشم زخم یا شورچشمی، می باشد که از دیرباز بر آن تأکید داشته اند. اما اینکه آیا چنین پدیده ای حقیقت دارد یا خیر؟ در این مختصر اشاره ای بدان خواهد شد.

در اینکه اجمالاً چنین حقیقتی هست، نمی شود تردید کرد، چنانچه بعضی از علمای جدید معتقدند که در برخی از چشم ها چنین خاصیتی هست؛ یعنی بعضی از چشم ها نوعی اشعه از خود بیرون می دهند که این اشعه یک اثر سوئی در اشیا وارد می کند، مخصوصاً اگر با یک نگاه و نظر مخصوص باشد. قبول کردن این حرف ها در قدیم خیلی مشکل بود که انسان بگوید یک نفر وقتی که نگاه می کند، از چشم او شعاعی بیرون می آید که - مثلاً - می تواند یک سنگ را بترکاند؛ اصلاً قابل باورکردن نبود. ولی امروز که میدان عمل این شعاع ها و امثال اینها پیدا شده که چقدر در طبیعت امواج وجود دارد و این امواج چه کارهای خارق العاده ای را انجام می دهند، دیگر این امر تعجبی ندارد که شعاعی از چشم یک انسان بیرون بیاید و واقعا یک شتر را به زمین بزند (مطهری، 1380 ج، 26، ص 633).

10. دورجنبانی روانی

دورجنبانی یعنی حرکت دادن اشیا و یا از حرکت بازداشتن آنها به وسیله تمرکز فکر (رضایی، 1389، ص 128؛ مملکت دوست، 1383، ص 33) و یا غلبه قدرت فکری بر افراد و اجسام (نوری زاد، 1383، ص 64-65). برخی دیگر، این پدیده را این گونه تعریف نموده اند: قدرت نفس بر جنباندن اشیای دور از طریق نفس و روان بدون استفاده از قدرت مادی (قدردان قراملکی، 1375، ص 129). در جای دیگر نیز از آن به تسخیر و تصرف در اشیا و تأثیر از دور یاد نموده اند (خرمشاهی، 1364، ص 23). مثلاً، انسان ممکن است اینجا باشد و جسمی را که در آنجا هست هدایت کند یا متوقف کند یا به حرکت درآورد. همین هایی که میز را به حرکت درمی آورند. یا می گوید تو قصد کن که این میز به کدام طرف برود، من قصد می کنم نه اینکه او قصد کند، من نیت می کنم، بعد فرمان می دهد آن طوری که فلانی نیت کرده، به هر طرف که او قصد کرده برو، به همان طرفی که من قصد کرده ام می رود (مطهری، 1380 ب، ج 4، ص 481-482).

نتیجه گیری

در بررسی ادراک فراحسی از دیدگاه روان شناسی و اسلام در این مقاله، نتایج ذیل حاصل می شود:

1. نقل متواتر ادراکات فراحسی در نظرات اندیشمندان توانمند - که بدان اشاره شد - و نمونه های کم رنگی که خود در زندگی دیده ایم و نتایج انکارناپذیر آن، اذعان دارد که وجود ادراکات فراحسی، ممکن است و نمی توان آن را تصادف و توهم دانست.

2. در صورتی که صحت همه یا بعضی از پدیده های فراحسی، به طریق علمی یا عقلی یا اجمالی ثابت بشود، در تحکیم مبانی ایمان و اعتقادات بسیاری از مؤمنان بی تأثیر نیست. چنان که حضرت ابراهیم علیه السلام نیز با همه ایمان و یقینی که به رستاخیز و احیای مردگان داشت، از خداوند درخواست کرد که یک بار آن را برای مزید اطمینان قلبی او، به اجرا درآورد و خداوند درخواست او را اجابت کرد (بقره: 259-260). امروزه هم بسیاری از انسان ها با ادراکات فراحسی مواجه می شوند. در صورتی که این افراد صحت آن را بپذیرند، بر محدودیت های دیدگاه ماده گرایانه فایق آمده و دیگر اصالت ماده و اصالت طبیعت نزد ایشان اعتباری ندارد، و در پرتو آن، بقای روح و حیات اخروی را می پذیرند.

3. حواس پنج گانه و عقل وسایلی هستند که انسان در زمینه ادراک و شناخت، از آنها کمک می گیرد، ولی در بسیاری از مسائل برای رسیدن به شناخت واقعی، به تنهایی کافی نیستند؛ مثلاً، آنها به شناخت مسائلی که انسان با حس و عقل نمی تواند درک کند، قادر نمی باشند. به همین دلیل، وجود ادراک فراحسی در انسان ضرورت دارد.

4. در کنار تمامی مزایای ادراک فراحسی که در پژوهش حاضر بیان گردید، این نوع ادراک دارای محدودیت ها، موانع و آسیب هایی نیز می باشد. از این رو،

آسیب شناسی مطرح شده در ادراک فراحسی، زمینه ساز آسیب زدایی و موجب برطرف شدن ناهنجاری های احتمالی موجود، در فرایند کلی ادراک فراحسی خواهد شد، به گونه ای که پس از انجام آسیب شناسی و آسیب زدایی، ادراک فراحسی، در مسیری پویا و صحیح انجام خواهد گرفت.

5. تفاوت میان وهم و ادراکات فراحسی که از مراتب عالی روحی ناشی می شود در آن است که ادراکات فراحسی آثاری در عالم

خارج دارد که وهم آن آثار را ندارد.

6. ادراکات فراحسی، آموخته می شوند و به دیگران نیز آموزش داده می شوند، ولی تعلیم و تعلم در معجزه راه ندارد. همچنین ادراکات فراحسی، از هر کس چه کافر، چه فاسق، چه مؤمن، می تواند حاصل آید ولی معجزه فقط از پیامبران و اولیاءالله که پاک و صالح و شایسته ترین بندگان خدا هستند، ظاهر می شود.

7. بررسی آموزه های دینی، سیره علمی و عملی علما و عرفا حاکی از آن است که ادراکات فراحسی، به عنوان یک حقیقت در منابع اسلامی شناخته شده است و وجه تمایز انسان ها و سایر موجودات قلمداد می گردد و نیز می توان کسب مقامات بالای معنوی را از جمله دلایل بروز برخی از پدیده های ادراکی برشمرد.

منابع

احمدی، احمد، 1389، اندیشه و نظر: نقد نقد کانت، اطلاعات حکمت و معرفت، ش 49، ص 49-53.

اسدیپور، رضا، 1386، اندیشه و نظر: کثرت گرایی دینی از چشم اندازه های متفاوت، اطلاعات حکمت و معرفت، سال دوم، ش 9، ص 58-65.

اسدی، علی، 1385، سیر پیدایش و تحول در نظریه الهام با تأکید بر آیات قرآن، معرفت، ش 107، ص 29-36.

اکبری، احمد، 1384، ما و خرافات، مبلغان، ش 75، ص 152-163.

امین، حسن، 1386، پیوند فرهنگ و دین و سیاست، حافظ، ش 45.

باربور، ایان، 1374، علم و دین، ترجمه بهاءالدین خرمشاهی، چ دوم، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.

باطنی، محمدرضا و همکاران، 1379، فرهنگ معاصر، چ ششم، تهران، فرهنگ معاصر.

باوندیان، علیرضا، 1383، نسبت زیبایی وحدت و کمال، کیهان فرهنگی، ش 213، ص 34-39.

بخشی، علی اکبر، 1380، مبانی انگیزش از دیدگاه اسلام، معرفت، ش 50، ص 56-71.

پارساپور، زهرا، 1386، بررسی مفهوم حس دیگر در مثنوی از دید تطبیقی در حکمت عرفان و اسطوره، فرهنگ، ش 63 و 64، ص 141-164.

جلالی فراهانی، مسعود، 1388، تفسیر باطنی امامت شیعی، اطلاعات حکمت و معرفت، ش 38، ص 26-28.

جوادی آملی، عبدالله، 1379، تسنیم، چ دوم، قم، اسراء.

حجازی، بهجت السادات، 1387، روان شناسی شخصیت در تاریخ بیهقی، کاوش نامه زبان و ادب، ش 16، ص 9-40.

خاکبازان، نوید، 1390، ره نامه جهادی در عرصه فرهنگی، قم، خادم الرضا.

خامنه ای، سیدعلی، 1375، حدیث ولایت (مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری)، چ دوم، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.

خرمشاهی، بهاءالدین، 1364، غیب جهان و جهان غیب، کیهان فرهنگی، ش 13، ص 22-29.

رایج، آندرس، 1383، پدیده های فراروان شناسی کدامند؟، ترجمه دنیا مملکت دوست، روانشناسی جامعه، ش 15 و 16، ص 49-51.

- ربر، آرتور اس، 1390، فرهنگ روان شناسی (توصیفی)، ترجمه یوسف کریمی و همکاران، تهران، رشد.
- رجبی، محمود، 1382، انسان شناسی، چ چهارم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی قدس سره.
- رضایی، محمدعلی، 1389، سحر از دیدگاه قرآن و علم، کوثر معارف، ش 13، ص 119-140.
- رضایی مهر، حسن، 1382، پدیده های فراروان شناختی، کیهان فرهنگی، ش 199، ص 58-62.
- رفیعی، سیدعلی محمد، 1389، بینش جان و رویش تصویر: عوامل مؤثر در تصویرگری دینی، کتاب ماه کودک و نوجوان، ش 155، ص 79-88.
- زرشناس، شهریار، 1381، مبانی نظری غرب مدرن، تهران، کتاب صبح.
- سعیدی روشن، محمدباقر، 1379، معجزه شناسی، تهران، مؤسسه فرهنگ و اندیشه معاصر.
- شجاع، محمدآشرف، 1387، نقدی بر رهیافت تجربه دینی خاورشناسان بر وحی، قرآن پژوهی خاورشناسان، ش 5، ص 121-148.
- شولتز، دوان، 1390، نظریه های شخصیت، ترجمه یوسف کریمی و همکاران، چ نهم، تهران، ارسباران.
- صادقی، هادی، 1382، الحاد، شک، یا ایمان؟، معرفت فلسفی، ش 21، ص 43-60.
- ____، 1379، دین و تجربه، نقد و نظر، ش 23 و 24، ص 222-246.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، 1393ق، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، اسماعیلیان.
- عبداللهی، محمدعلی، 1383، هجرت از الحاد به خداباوری، نقد و نظر، ش 35 و 36، ص 279-312.
- عظیم زاده اردبیلی، فائزه و همکاران، 1380، نگرشی نوین بر تاریخ و علوم قرآنی، تهران، بنیاد قرآن.
- عقدایی، تورج، 1389، جمال شناسی گلشن راز، ادبیات عرفانی و اسطوره شناختی، ش 18، ص 105-138.
- علی تبار فیروزجایی، رمضان، فطرت نمونی زبان دین و قرآن، آیین حکمت، ش 2، ص 7-34.
- علی زاده، مصطفی، 1387 و 1388، روان شناسی و اجتماع: فراروان شناسی، فردوسی، ش 74 و 75، ص 70-73.
- فعالی، محمدتقی، 1379، نگاه قرآن به عقلانیت دین، صحیفه مبین، ش 4، ص 67-84.
- فیروزبخت، مهرداد، 1389، فرهنگ جامع روان شناسی و روان پزشکی، تهران، ویرایش.
- قدردان قراملکی، محمدحسن، 1381، حقیقت وحی، تجربه دینی یا عرفانی؟، قبسات، ش 26.
- ____، 1375، کاوشی در تجسم اعمال، کیهان اندیشه، ش 68.
- قرائتی، محسن، 1383، تفسیر نور، چ چهارم، تهران، مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن.
- کراجکی، محمدبن علی، 1410ق، کنزالفوائد، تصحیح عبدالله نعمه، قم، دارالذخائر.
- کلرمون، 1354، حقایقی درباره انتقال احساسات از دور، ترجمه هادی خراسانی، وحید، ش 187، ص 978-983.

کلینی، محمد بن یعقوب، 1379، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، چ چهارم، قم، اسوه.

____، 1407ق، الکافی، چ چهارم، تهران، دارالکتب الإسلامیه.

کوهن، رابرت لارنس، 1382، دانش و دموکراسی، ترجمه علی محمد طباطبایی، بازتاب اندیشه، ش 43، ص 27-32.

گوستاو یونگ، کارل، 1382، واقعیت و فراواقعیت، ترجمه سید محمد آوینی، هنرهای تجسمی، ش 20، ص 68-69.

مبلغ، سید محمد حسین، 1378، شناخت در قرآن از نگاه مطهری، پژوهش های قرآنی، ش 17 و 18، ص 118-143.

مجلسی، محمد باقر، 1403ق، بحارالانوار، چ دوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

____، 1404ق، مرآة العقول، چ دوم، تهران، دارالکتب الإسلامیه.

مصباح، محمد تقی، 1383، وحی شناسی، کوثر، ش 15، ص 17-22.

مطهری، مرتضی، 1380 الف، مجموعه آثار، چ ششم، تهران، صدرا.

____، 1380 ب، مجموعه آثار، چ ششم، تهران، صدرا.

____، 1380 ج، مجموعه آثار، چ ششم، تهران، صدرا.

مقیسه، حسین، 1382، بنیادهای معرفت یا معرفت های بنیادین، پژوهش های فلسفی - کلامی، ش 17 و 18، ص 131-148.

مکارم شیرازی، ناصر، 1378، زندگی در پرتو اخلاق، چ دوم، قم، سرور.

مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، 1367، تفسیر نمونه، چ پنجم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

ملک شاهی، حسن، 1390، ترجمه و شرح اشارات و تنبیهات ابن سینا، چ هفتم، تهران، سروش.

ملکیان، مصطفی، 1383، درد از کجا؟ رنج از کجا؟ سخنی در باب خاستگاه درد رنج های بشری، هفت آسمان، ش 24، ص 51-72.

مملکت دوست، دنیا، 1383، فراروان شناسی چیست؟، روانشناسی جامعه، ش 14، ص 32-33.

موسوی خمینی، سید روح الله، 1410ق، تعلیقات علی شرح فصوص الحکم و مصباح الانس، تهران، پاسدار اسلام.

ناجی، مسعود، 1379، پدیده های فراطبیعی، کتاب ماه کلیات، ش 29، ص 12-20.

نجاتی، محمد عثمان، 1374، قرآن و روان شناسی، ترجمه عباس عرب، چ چهارم، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.

نوری زاد، صمد، 1383، آن سوی آیه ها؛ نگرشی بر اعجاز های پزشکی قرآن، قم، آیت عشق.

نوری، میرزا حسین، 1408ق، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام.

وکیلی، هادی، 1385، فلسفه تجربه عرفانی، قبسات، ش

39 و 40، ص 67-92.

نوید خاکبازان: کارشناس روان شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی قدس سره.
رحیم میردریکوندی: استادیار گروه روان شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی قدس سره.
معرفت - سال بیست و سوم - شماره 205